

گفت‌وگو با شاعر نماهنگ « کبوترهای گوهرشاد» که شعر آن مورد تحسین رهبر معظم انقلاب قرار گرفت

رضا جان است شاه مردم ایران، رضاخان نه...

۱۲

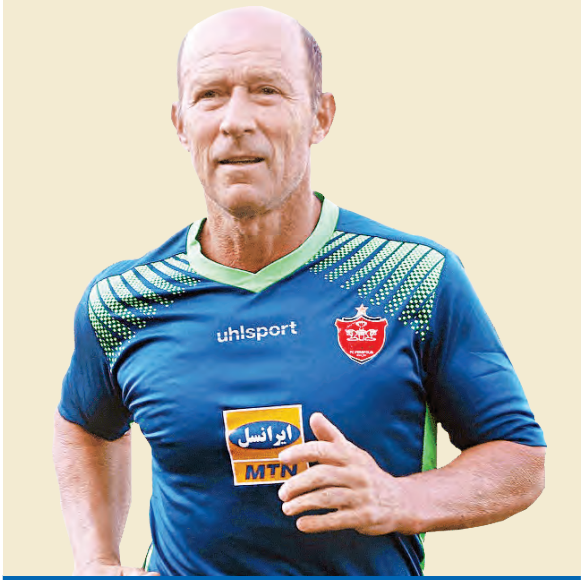
۱۱۰ ورزش

پرونده‌ای برای در آمدن‌زایی بی‌قاعده فوتبال‌یست‌ها در فضای مجازی

کاسبی با شاخ‌بازی!

باز یکنانم نشان دادند با تمام مریبان اول می‌شوند

کالدرون: حاضر به مذاکره با پرسپولیس هستم



پوریا پَلی درباره پروسه انتخاب سرمربی تیم ملی والیبال:

مربی خارجی یا داخلی فرقی ندارد

مجازآباد

تافته جدا بافته نباشید



اگر برایتان سؤال پیش آمده که روحیه جهادی چیست و چطور می‌توان تشخیص داد کدامیک از مسئولان و غیرمسئولان با روحیه جهادی کار می‌کنند و در این روزهای کرونایی، روحیه جهادی چطور می‌تواند به حل بحران کمک کند، مطلبی را که در حساب توئیتری «خط حزبلله» به نقل از رهبر انقلاب آمده بخوانید: «روحیه جهادی را بر روحیه تافته جدا بافته بودن ترجیح بدهید... این خطر بزرگی است، این یک خطر شخصیتی است، یک بیماری شخصیتی است، نگذارید این بیماری در شما رشد بکند و راهش هم این است که کار جهادی و روحیه جهادی را در خودتان تقویت کنید».

شینلنگ کوتاه بود



درباره دلایل گسترش وادامه آتش‌سوزی در ناو هواپیمابر آمریکایی، حدس و گمان‌هایی زده شده اما کاربران فضای مثل همیشه با نگاه خاص و همراه با شوخی خودشان به ماجرا پرداخته‌اند. یک کاربر توئییت کرد: «چرا با این همه مال و کوبال، آبو نمی‌ریزین همون جایی که می‌سوزد؟» حساب توئیتری «سیاسیون» هم طی یک شوخی نوشته است: «موشک‌های تاما هاوکئون تا سوریه میاد... گولال هاوکئون تا بوشهر اومد... مریخ نوردتون تا عطارد رسید... شینلنگ آتش‌نشانیون تا عرشه کشتی نمی‌رسه؟»

چین به چه درد می‌خورد؟



البته همه منتقدان سند همکاری ۲۵ ساله با چین، حرفشان مثل هم نیست و ممکن است برخی از آن‌ها حرف حساب هم برای زند داشته باشند. عبدالله گنجی، مدیر مسئول روزنامه جوان اما در پاسخ به آن‌هایی که با ژست روشنفکری، علیه این سند فقط هیاهو رانداخته‌اند در توئیتر نوشت: کسانی که نخونده به قرارداد با چین حمله کردند اگر آن را ببینند و کفه سنگین هم از ما باشد راضی می‌شوند؟ خیر... چون چین ما را متهم به نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم و قدرت موشکی نمی‌کند... قدرت منطقه‌ای ما را محترم می‌شمارد... با ماهیت انقلاب ما درگیر نیست... خب این چین به چه درد روشنفکران می‌خورد؟»

این جوری از توئیتر پول در بیارید



کسب‌وکار مجازی، این روزها چشم خیلی‌ها را گرفته و انصافاً خیلی‌ها هم توانسته‌اند با تلاش و زحمت از همین راه پول حلال در بیاورند... منتها برخی هم هستند که شاید فقط دنبال لقمه‌های راحت و چرب و چیلی‌اند... تبلیغات «روزی یک میلیون در اینترنت درآمد داشته باشید» هم ظاهرآ دنبال جذب چنین آدم‌هایی است... حالا یک کاربر توئیتر هم پست گذاشته که: «آموزش کسب درآمد از توئیتر... یک/وارد وب‌سایت با ایل‌کلیکیشن توئیتر شوید... دو/ به قسمت حساب کاربری خود بروید... سه / گزینه خروج از حساب کاربری را انتخاب کنید... چهار/ حالا مشغول کارهای خود شوید!..»

دلایل اعتراض کاربران قرار بگیری، باقی مطلب را بخوانید.

چی فرض کردین مارو؟!

فرارو در یک گزارش مفصل، ریز هزینه‌هایی که کاربران باید برای خرید اینترنت متحمل شوند را فهرست کرده است. بر اساس این گزارش، ارزان‌ترین بسته اینترنت یکماهه ایرانسل، ۱۰ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت دارد. یک بسته کوچک با حجم تنها یک گیگابایت، این اپراتور بسته‌های دو گیگابایتی را هم با قیمت ۱۴ هزار تومان پیشنهاد می‌دهد. اما معمولاً بسته‌های کمتر از پنج گیگابایت، هوامان زیادی ندارد و عمده مخاطبان سراغ بسته‌های بالای پنج گیگابایت می‌روند. بسته پنج گیگابایتی ایرانسل، برای شما ۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان آب می‌خورد. همچنین بسته هفت گیگابایتی یکماهه ۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان و بسته ۱۰ گیگابایتی یکماهه در ایرانسل ۲۹ هزار و ۵۰۰ قیمت دارد.

اگر قرار باشد به طور مختصر به بسته‌های مدت‌دار نگاهی بیندازیم، باید بگوییم بسته‌های سه ماهه با حجم‌های ۱۸ و ۲۴ گیگابایت، به ترتیب با قیمت ۴۸ و ۵۸ هزار تومان در اختیار کاربر قرار دارند.

قیمت بسته‌های ۶ ماهه تا یکساله هم بسته به حجم آن‌ها از ۹۵ هزار تومان آغاز می‌شود و تا ۱۵۵ هزار تومان ادامه پیدا می‌کند.

این روزها اما بسیاری از این بسته‌ها از فهرست خرید حذف شده‌اند و کاربران فقط چند گزینه محدود برای خرید بسته پیش رویشان دارند. این یعنی اپراتورها اگر چه قیمت‌ها را کاهش داده‌اند، اما در مقابل بسته‌های به‌صرفه را هم از دسترس خارج کرده‌اند!

یکی از کاربران نوشته است: «خب الان که من باید تو یک ماه ۱۰ تا بسته یک گیگی بخرم و قیمتش حتی از قیمت اون بسته‌های گرونقیمت هم بیشتر می‌شه! چی فرض کردین ما رو؟» پس از بالا گرفتن موج انتقادهای ایرانسل اما این اپراتور تصمیم گرفت بسته‌های پرطرفدار و به‌صرفه‌اش را به طور محدود روی سایت فروش خودش فعال کند. حالا کاربران می‌توانند برخی از این بسته‌ها را به طور غیرمستقیم از سایت این اپراتور خریداری کنند که روند طولانی این نوع خرید هم صدای کاربران را درآورده است.

خبری از بسته‌های قدیمی نیست

همراه اول هم دقیقاً مثل رقیب خود ایرانسل در هفته گذشته قیمت بسته‌های اینترنت موبایلش را افزایش داد و موجب ناراضیاتی کاربران شد. اگر شما هم از مشتریان این اپراتور هستید و در چند هفته اخیر قصد خرید بسته را داشته‌اید، احتمالاً در جریان هستید که قیمت بسته یکماهه به ۲۹ هزار و ۴۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است. این بسته فقط پنج گیگابایت حجم بین‌الملل و ۱۰ گیگابایت حجم داخلی در اختیار خریداری می‌گذاشت. همسراه اول بسته ۷.۵ گیگابایتی بین‌الملل به اضافه ۱۵ گیگابایت حجم اینترنت داخلی را هم با قیمت ۲۶ هزار و ۹۰۰ هزار تومان عرضه کرده بود. قیمت بسته یکساله با حجم ۳۵ گیگابایت اینترنت بین‌المللی و ۷۰ گیگابایت اینترنت داخلی هم به ۱۵۹ هزار تومان افزایش پیدا کرده بود. اعتراض کاربران و مصاحبه‌های انتقادی مسئولان انگار تأثیر زیادی روی این اپراتور نگذاشته، چرا که اگر همین الان برای خرید بسته اقدام کنید، متوجه خواهید شد که قیمت‌ها همچنان

محمد تربت‌زاده! اگر آمارهای مربوط به هشتگ‌های منتشر شده در توئیتر را بررسی کنید، متوجه خواهید شد در هفته گذشته، بیشترین محتوای رد و بدل شده در این شبکه اجتماعی، پس از کرونا به ماجرای گرانی بسته‌های اینترنت همراه اختصاص داشته است. محتوایی که تقریباً تمامی حول محور انتقاد از دو اپراتور بزرگ کشورمان، وزیر ارتباطات و همچنین سایر مسئولان دخیل در گرانی بسته‌های اینترنتی می‌گردد. از آنجایی که این گرانی دقیقاً مصادف شده بود با شیوع موج دوم کرونا در کشورمان، خیلی‌ها همراه اول و ایرانسل را به ماهیگیری از آب گل‌آلود متهم کردند و مدعی شدند این اپراتورها قصد دارند در شرایطی که مردم مجبورند بسیاری از اموراتشان را به صورت اینترنتی رتق و فتق کنند، آن‌ها را مجبور به خرید بسته‌های گرانقیمت اینترنتی کنند.

داخلی و بین‌المللی

این نخستین بار نبود که اپراتورها اقدام به افزایش قیمت بسته‌های اینترنتی می‌کردند. پیش از این هم قیمت اینترنت همراه بارها به صورت جزئی افزایش پیدا کرده بود اما این‌بار افزایش قیمت‌ها به قدری نجومی بود که پای وزیر ارتباطات هم به ماجرا باز شد. برای آنکه بهتر متوجه افزایش نجومی قیمت‌ها شوید، برایتان چند مثال از قیمت قدیم و جدید بسته‌های اینترنتی را ذکر می‌کنیم. بسته اینترنتی یکماهه ۱۰ گیگابایتی ایرانسل تا پیش از گرانی فقط ۲۹ هزار تومان قیمت داشت پس از افزایش قیمت‌ها به ۶۰ هزار تومان رسید! همچنین بسته ۱۵ گیگابایتی ماهانه با قیمت ۳۷ هزار تومان هم تبدیل به بسته هفت گیگی با همان قیمت شده بود! این موضوع در مورد همراه اول هم صدق می‌کرد. به علاوه اینکه بسته‌های پر حجم به طور کامل از لیست فروش حذف شده بودند و کاربران باید مبلغ هنگفتی را برای خرید بسته‌های کم حجم پرداخت می‌کردند. به عنوان مثال بسته پنج گیگابایتی اینترنت بین‌الملل با ۱۰ گیگابایت حجم داخلی حدود ۳۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود.

این تنها شاهکار اپراتورهای همراه نبود! این دو اپراتور به طور هم‌زمان تصمیم گرفته بودند اینترنتشان را به دو قسمت داخلی و بین‌المللی تقسیم‌بندی کنند. به عنوان مثال شما در صورت پرداخت ۱۵۵ هزار تومان فقط ۳۷ گیگابایت اینترنت بین‌المللی دریافت می‌کردید و ۷۲ گیگ حجم اینترنت داخلی به شما تعلق پیدا می‌کرد!

موج جدید اعتراض‌ها

هرچند در ابتدا وزیرجوان هیچ واکنشی به گرانی بسته‌ها نشان نداد اما پس از اینکه انبوهی از کاربران به صفحه آقای وزیر هجوم بردند، جهرمی مجبور شد با انتشار یک توئییت کوتاه به این ماجرا واکنش نشان دهد. مدیران رگولاتوری هم اقدام انجام شده را نوعی تخلف دانستند. حالا و پس از گذشت یک هفته از جنجال گران‌فروشی اپراتورها، بالاخره این دو اپراتور از موضعشان کوتاه آمدند و راضی به کاهش قیمت شدند. اما این ماجرا انگار کاربران فضای مجازی را راضی نکرده چون همچنان به اعتراض‌هایشان ادامه می‌دهند و این‌بار حجم اعتراض‌ها از موج اول آن فراتر رفته است.

کاربران دو دلیل برای اعتراض‌های جدیدشان دارند. اول بازگرداندن هزینه‌های رفته از جیب کاربران و دوم بازگرداندن بسته‌های اصلی که از فهرست خرید حذف شده‌اند. اگر می‌خواهید به طور دقیق‌تر در جریان جزئیات

گفت‌وگو

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹

سال سی و سوم شماره ۹۹۴
۱۵ جولای ۱۳۹۹
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

روزمره نگاری

او می‌رود دامن‌کشان...

رقیه توسلی: خودمانیم یعنی باز رویت می‌شود پیامک بفرستی که: مشترک گرامی! از صبوری‌تان متشکرم، اختلال برطرف شده است» که فلان گیگ هدیه عذرخواهی را همین الساعه سس‌رایز کرده‌ام به شمارتان؛ تعارف نفرمایید، از شیر مادر حلال‌تر!

خودمانیم بالاغیر تا وسط هزار تا بدبختی چرا هر روز بازی تکراری درمی‌آوری سرمان و مثل بچه آدم کلمات را نمی‌اندازی پایین زندگیا‌ت را بکنی...؟ آهان! شاید هم تشریح وظیفه نشده‌ای هنوز...؟

البته که این سبوال‌های من نیست. سبوال خواهر، برادر، عمه، خاله، دایی، همکار، غریبه، بیکار و پرکار است. سبوال تمام بخت برگشته‌هایی که یک‌طورهایی زیرمجموعه‌ات شده‌اند این سال‌ها.

دیروز «گل ترمه» می‌گفت شک نداره که کرونا گرفت‌های «برادرخان» حرف تو که آمد وسط، فقط پرخنده شد.

«فرید» سبوال دربارمات را این‌طور جواب داد: سمفونی نهم جناب هنرمند را تماشا کرده‌ام یا نه؟ «همه سوسن» دارد به این نتیجه می‌رسد کلاً قیمت را بزنند.

«آقای همسر» گفت: ایشون قدر قدرتی هستند برای خودشان. ما یک مشت رعیت بینوا چه بگوییم؟ عذرخواهم اما «مدیر خانوم» هم یک بند نفرینت کرد.

و سارا و نریمان و مهربانو و بهاره و جاری و خواهری و حتی خانوم سعادت هم دیگر دل در گرو ات نداشتند، عزیزم.

حق دارند به‌خدا، تا کی آخر؟ تا کی می‌خواهی قطع و وصل شوی؟ قطع شوی و وصل نشوی؟ قطع نباشی اما از هر قطع شدنی بدتر باشی؟ موی ما را می‌بینی که سفید شده، شاهکار غشی‌بازی‌های جناب‌عالی است.

نمی‌شود که کارت بشود دیوانه کردن آدم‌ها و سیستم‌های محتاج، آن‌وقت اسم خودت را هم بگناری اینترنت؛ بگناری راه اتصال به جهان دور و نزدیک؛ بگناری اسباب پوشه‌فت! اصلاً چرا راه دوری برویم. دیروز، امروز، پریروز، سر هفته، ته هفته، همین حالا، مگر می‌شود همیشه مختل باشی بزرگوار و خون به جگرمان بریزی. آن‌وقت مثل مستمع آزادها گوشه‌ای برای خودت لم بدهی بی‌خیال و اسمت هم توی شناسنامه بیاید اینترنت.

کاش کسی بود یقات را می‌چسبید و مسئولیت را توی صورت فریاد می‌زد! کاش کسی بود از چاه می‌کشاند!ممان بیرون و با تمام قوا پرتمان می‌کرد به دوردست‌ترین نقطه تاریخ... آنجا که غارنشین‌های یله و بی‌تکنولوژی و آزاد می‌رفتند برای شکار، آنجا که تمدن بوی اینترنت و امعا و امشایش را نمی‌داد و چشممان نمی‌افتاد به چشمه‌های بی‌پروایت.

دروغ‌های مجازی

ماسک باز یافت نمی‌شود



قدس زندگی: از دو سه روز پیش کلیبی در فضای مجازی دست به دست می‌شود که در آن عده‌ای درحال جداسازی ماسک‌های استفاده شده از بین زباله‌ها هستند و منتشرکنندگان این کلیپ تلاش کردند با انتشار این تصاویر القا کنند ماسک‌هایی که با قیمت ارزان به دست مردم می‌رسد ماسک‌هایی هستند که از لحاظ بهداشتی مناسب نبوده و باز یافتی هستند. این موضوع با واکنش‌های زیادی در فضای مجازی مواجه شد و عده‌ای هم ذهنشان رفت دنبال زباله‌گرد‌ها و آن‌ها را مقصر احتمالی توزیع ماسک آلوده قلمداد کردند. خیلی‌ها هم در فضای مجازی به یکدیگر توصیه کردند پس از استفاده از ماسک آن را پاره کرده، در کیسه زباله قرار دهند و در سطل زباله بیندازند. اگر شما هم جزو آن‌هایی هستید که با دیدن این کلیپ به ماسک‌فروش‌های کنار خیابان بدبین شده‌اید، در جریان باشید که این فیلم مربوط به یک کارگاه تولید ماسک بوده که شب عبید قبط، بر اثر گودبرداری غیرحرفه‌ای ساختمان مجاور تخریب شده بود. گویا تولیدکننده ماسک‌ها از پیمانکار شکایت و درخواست پرداخت خسارت می‌کند، کارشناس می‌گوید برای برآورد خسارت نیاز به وجود ماسک‌های مدفون شده است. به همین دلیل چند هفته پیش به سراغ ماسک‌های مدفون شده می‌روند و درحال جمع‌آوری، شمارش و بسته‌بندی هستند تا بتوانند خسارت خود را دریافت کنند که همسایه این ساختمان از آن‌ها فیلم‌برداری می‌کند. حالا با انتشار این تصاویر شایعه فروش ماسک‌های آلوده و باز یافتی در جامعه رواج پیدا کرده است. روز گذشته علیرضا رئیسی، معاون بهداشت وزارت بهداشت هم در پاسخ به پرسشی درباره شایعه بازیابی ماسک‌های دور ریخته شده و فروش به مردم گفت: «چنین چیزی صحت ندارد و کشور ما نیازی به باز یافت ماسک ندارد. توصیه اصلی ما در این زمینه این است که افراد حتی اگر می‌توانند در خانه ماسک تولید کنند یا از جاهایی بخرند که مورد اطمینان است. در فروردین ماه که ماسک کم بود نیز در کشورهای دیگر این شایعه‌ها وجود داشت که ماسک‌ها را باز یافت کرده و اتو می‌کنند و می‌فروشند... برخی هم در اوایل شیوع کرونا گفتند این ماسک‌ها را آماده کرده و به ایران می‌فرستند که یکی از شایعه‌های عجیب بود. بنابراین موضوع باز یافت ماسک صحت ندارد».

البته حالا خاطراتان در دست جمع نشود. یعنی در هر حال شما هم در خرید و استفاده از ماسک مثل قبل وسواس داشته و مراقب باشید و هم در امحا آن‌ها، اما شایعه‌ها را هم باور نکنید. چون به هر حال ماسک‌های تولید شده کارگاه، در مراحل تولید، بسته‌بندی و به‌خصوص حمل و نقل ممکن است مثل هر کالای دیگری آلوده شوند و نیاز به ضدعفونی داشته باشند. کیانوش جهانپور، مدیر مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت هم دراین باره گفته: «چگونگی امحای ماسک‌های مصرف شده بسیار مهم است. مردم دقت داشته باشند ماسک‌های مصرف شده می‌توانند به نوعی زباله عفونی تلقی شوند، بنابراین چگونگی امحای آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد».

میراث نیاکان



annotation@qudsonline.ir
حسن احمدی فرد، روزنامه‌نگار و پژوهشگر

درباره پدیده‌ای جغرافیایی که کار کرده‌ای فرهنگی هم دارد

بادهای تمدنی سیستان

ایزد باد، یکی از کهن‌ترین ایزدها در همه فرهنگ‌های باستانی است. در فلات ایران نیز، این ایزد یکی از کهن‌ترین مظاهر تقدس بوده است. همچنان که پیش از این نوشتیم، در ایران‌باستان، ایزد باد(وات، وای، ویو) شخصیتی دوگانه دارد. او «در باران‌زا، زندگی می‌آورد و در طوفان، مرگ. بر گردونه تیزرویی که آن را هزار اسب می‌کشند، سوار است. اوست که نوره‌ای گلگون یعنی برق را ایجاد می‌کند و سپیددم را هوید می‌سازد...».

(شناخت اساطیر ایران) جان هینلز/ ترجمه ژاله آموزگار- احمد تفضلی/ صفحه ۳۴)

از این شخصیت دوگانه، امروزه روز نیز می‌توان سراغ گرفت؛ چنانکه تقابل دو صبا(باد جنوب) و شمال یادآور همین کارکرد دوگانه است. باد صبا پیغام‌رسان عاشقان است و باد شمال میان آن‌ها جدایی می‌اندازد. علاوه بر این، همچنان که سرما و زمستان، ماهیتی زنانه دارد و باد شمال هم از همین منظر سرآورد و رخوت‌ناست، بادهای تابستانی بادهای گرمابخش و برکت‌آور هستند. .

در همه گستره شرق و جنوب خراسان، تابستان، موسم بادهای ۱۲۰ روزه است. این باده‌ا، از پهنه وسیعی در سیستان جان می‌گیرند و به «دشت نامید»(دق نمدی) در منتهی‌الیه خراسان جنوبی می‌رسند. بادهای ملایم دشت نامید، سپس در مسیر خود وارد بادراه‌های می‌شوند که از مجاورت دو رشته‌کوه شکل گرفته است؛ «ناردره» در استان فراه‌افغانستان از یکسو و «پلنگ‌کوه» در خراسان جنوبی از سوی دیگر، مسیری ساخته‌اند که بادهای دشت نامید با عبور از آن، به شکل بادهای توفنده بر سرتاسر شرق خراسان بوزند؛ از نهندان تا سرخس و از تربت‌جام تا هرات. در همه این گستره وسیع، بادهای ۱۲۰ روزه، با شدت و ضعف می‌وزند. این باده‌ا که از خرداد ماه آغاز شده و تا شهریور ماه ادامه دارند، بر گستره‌ای از سیستان تا پیش از ارتفاعات نوچی شمالی خراسان می‌وزند. حتی گفته می‌شود نام شهر «تایباد» شهر مرزی خراسان رضوی نیز بی‌ارتباط با این باده‌ها نیست. بادهای ۱۲۰ روزه، به فولکلور مردم این مناطق نیز راه یافته‌اند. دوییتی‌هایی هست که در آن به این وزش مدام باد اشاره شده است.

سر کوه‌ای بلند عبدال آباد

چراغ‌ای پنجره‌رهی می‌زنه باد

قسم خوردم به مولانای تباد

که غیر از تو نگیرم آدمیزاد

نیز در باور این مردم، همین بادهای گرم است که دانه‌های شیرهدار گندم را خشک کرده و آماده برداشت می‌کنند..

به نظر می‌رسد بادهای ۱۲۰ روزه، همچنان که همیشه تاریخ، هوای گرم را از عرصه جنوب‌شرقی سیستان به خراسان آورده‌اند، مؤلفه‌هایی از فرهنگ رانیز با خود به سرتاسر این گستره انتقال داده‌اند. رد پایی از یک فرهنگ مشترک را می‌توان در سرتاسر منطقه وسیعی پی گرفت که محدوده وزش بادهای ۱۲۰ روزه است؛ از این منظر، بر ب‌راه نیست اگر این باده‌ا «بادهای تمدنی سیستان» بنامیم. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ مشترک در محدوده بادهای ۱۲۰ روزه، صنعتی است که در آن، از این باده‌ا برای استحصال انرژی استفاده می‌شود. بسیار پیشتر از آن که بشر مدرن به فکر استفاده از انرژی تجدیدپذیر به جای انرژی‌های فسیلی بیفتد، پدران و مادران ما در سرتاسر گستره وسیع سیستان و خراسان، بادهای ۱۲۰ روزه را به خدمت گرفته‌اند تا برایشان، سنگ‌های سنگین را بگردانند؛ چنان که به قول پیری، خراسانی‌ها، از باد، یاج می‌گیرند. . آسباد، صنعت و هنر باستانی پدران و مادران ماست که در آن از انرژی باد، برای آرد کردن گندم استفاده می‌شود. نیروی باد، ریه‌های عمودی آسباد را می‌گرداند و همین گردش در صنعتی پیچیده و مدرن، به سنگ‌های سنگین منتقل می‌شود تا در چرخش خود، گندم را به پهنه‌ترین شکل ممکن آرد کنند..

در سرتاسر گستره وزش بادهای ۱۲۰ روزه، می‌توان از آسیاب‌ها سراغ گرفت. آثاری از وجود آسیاب در شهر سوخته نشان می‌دهد که این صنعت باستانی در آن محدوده وجود داشته است. در خان‌شرف نهندان در خراسان جنوبی، هنوز شماری از آسیاب‌ها وجود دارند که در این سال‌ها البته مرمت و احیا شده‌اند. آسیاب‌های نشیتیان و سنگان خواف هم که احتمالاًشناخته‌شده‌ترین آسیاب‌ها هستند. علاوه بر آن، در خواجه قلعه هرات(نیز در فراه) افغانستان هم آسیاب وجود دارد. همچنین نشانه‌هایی از وجود آسیاب در تایباد و.. هم هست. اما اگر صنعت آسیاب، صنعت مرتبط با بادهای ۱۲۰ روزه است و حضور آن در همه گستره وزش این باده‌ا، چندان تعجب‌برانگیز نیست، وجود مقام‌های موسیقی مشترک همه این گستره، می‌تواند نشانه‌ای از وجود یک ناحیه فرهنگی باشد. «پلنگ اولنگ» یکی از این مقام‌هاست. این مقام، یکی از مقام‌های عاشقانه است که با ریتم‌های متفاوت در همه گستره سیستان و خراسان اجرا می‌شود. در خراسان، یکی از قدیمی‌ترین اجزای ضبط شده این مقام، اجرایی است که استاد الفت هروی به همراه گروه نوازندگان، حوالی ۴۰ سال پیش به مهت استاد«عبدالوهاب مددی» در تلویزیون هرات، ضبط کرده است.

خبر

ترجمه یکی از صدرمان بر تر عربی



ایهام: رمان «پل دختران یعقوب» نوشته حسن حمید نویسنده فلسطینی با ترجمه اصغر علی کرمی روانه بازار شد. این رمان که پیش از این در قالب طرح صد رمان برتر عربی به زبان‌های فرانسه و چینی و

روسی ترجمه شده بود اخیراً به فارسی ترجمه شده است.

رمان «پل دختران یعقوب» سال ۱۳۹۹ جایزه نجیب محفوظ را دریافت کرده و رمانی بسیار خواندنی است که ماجرای سفر جهانگردی به نام یعقوب به همراه دخترانش به روستایی در نزدیکی رود اردن را روایت می‌کند و اتفاقات عجیب و غریبی را که برای او رخ داده است، شرح می‌دهد. این رمان در ۲۲۲ صفحه و به‌بهای ۳۹ هزار تومان از سوی نشر ایهم روانه بازار نشر شده است.

موسی علمی در گذشت

ایستا: موسی علمی، پیشکسوت صنعت نشر درگذشت. انتشارات علمی بسا اعلام این خبر نوشته است؛ با توجه به عدم‌امکان برگزاری مجلس ختم، کلیه هزینه‌های مراسم آن مرحوم صرف امور خیریه می‌شود. موسی علمی، از اعضای خانواده علمی که بیش از ۱۰۰ سال است در کار چاپ هستند، بود. وی مدیر کتاب‌فروشی علمی و از دست‌اندرکاران نشرهای علمی و علم بود.

گفت‌وگو با مدیر استارت آپ «نیوار» که با هدف ترویج مطالعه فعالیت می‌کند

کسب‌وکار مجازی با کتاب در دوران پسا کرونا

ادب و هنر/اجواد شیخ‌الاسلامی | در روزگاری که به علت شرایط بد اقتصادی خبر تعطیلی فروشگاه‌های کتاب در شهرهای مختلف یکی‌یکی به گوش می‌رسد، خبر آغاز به کار یک استارت‌آپ جدید، فعال و بالگیزه در فضای کتاب و کتاب‌خوانی کشور بسیار خوشحال‌کننده است. استارت‌آپ «نیوار» با مدیریت شهریار شفيعی، شاعر، مترجم و فعال حوزه کتاب، مدتی است در بازار نشر کشور پا گرفته و در همین مدت کم توانسته به موفقیت خوبی هم دست پیدا کند. اگر این موفقیت را در کنار شرایط بد اقتصادی و همچنین ویروس کرونا بگذاریم، فعالیت نیوار بسیار مهم و قابل تأمل می‌نماید و ما را به داشتن یک استارت‌آپ قوی و مؤثر در حوزه کتاب و نشر امیدوار می‌کند.

با شهریار شفيعی که چاپ کتاب «پرچم صلح» را در کارنامه ادبی خود دارد درباره استارت‌آپ نیوار، انگیزه و دلیل تأسیس این استارت‌آپ را در گفت‌وگو با او می‌شناسیم. او می‌گوید: «ما در تلاشیم تا به مردم راهی برای دسترسی به کتاب پیدا کنیم».

ایده «نیوار» از کجا و چطور به ذهن‌تان رسید؟

ایده یک کار فرهنگی که اقتصادی هم باشد از قدیم با من بود. همین ابتدا بگویم من روی وجه اقتصادی کار فرهنگی بسیار تأکید دارم. من از زمانی که انتشارات «آب و آگینه» را داشتم، ذهنم درگیر این ایده بود. یعنی یک کار چندجانبه فرهنگی و اقتصادی که شامل انتشارات، فروشگاه کتاب، کافه کتاب و ... باشد. آن موقع در تبریز بودم و این کار برایم میسر نبود. بعدها که به تهران مهاجرت کردم و شرایط اینجا را مساعدتر دیدم، به فکر تأسیس این استارت‌آپ افتادم. با چند نفر که تحصیلات این کار را داشتند، مشورت کردم و بازخوردهای مثبت و خوبی گرفتم. با همین انگیزه‌دان‌ها بود که نیوار را با فروشگاه اینترنتی کتاب شروع کردم. دلشپ هم ایسن بود که داشتم زیرساخت‌هایی لازم داشتند که ایجاد آن‌ها در شروع فعالیت برای ما میسر نبود و مقداری زمانبر بودند. ضمن اینکه باید هزینه ایجاد آن زیرساخت‌ها از جایی تأمین می‌شد. به همین دلیل نیوار را با ماندانزی فروشگاه اینترنتی کتاب به عنوان سمرآغازی برای اتفاقات بعدی شروع کردیم که همین‌طور هم شد. تیرماه سال ۹۸ همزمان با ولادت حضرت معصومه(س) و آغاز دهه گرامت، کار نیوار را شروع کردیم. یادم است برای شروع کار ۹۰ جلد از کتاب «پری‌دخت» حامد سغری را خریدم و گفتم اگر این ۵۰ جلد به فروش رفت، کار را ادامه خواهم داد. خدارا شکر این کتاب‌ها در دو، سه روز به فروش رفت، اما من باز هم دودل و مردد بودم. به همین دلیل گفتم با میلاد امام‌(ضاح) همین نوع فروش را برای کتاب دیگری انجام می‌دهم و اگر فروخت، حتماً این مسیر را ادامه می‌دهم! آنجا بود که اولین جشن امضای اینترنتی‌مان را برای کتاب «عمار حلب» درباره شهید محمدحسین‌محمدخانی انجام دادیم که آن هم به خوبی فروش رفت. اینجا دل من محکم شد و متوجه شدم می‌توانم روی این مسیر حساب باز کنم.

یکی از ابداعات شما فروش و جشن امضای اینترنتی برای کتاب‌های مختلف است. البته این کار پیش از این هم انجام می‌شد، اما شما به صورت متمرکز و مستمر این کار را انجام می‌دهید. چقدر از فروش‌تان را مدیون این خلاقیت‌ها هستید؟

برای ما تنها فروش اینترنتی منظر نیست. یکی از ابداعات شما فروش و جشن امضای اینترنتی برای کتاب‌های مختلف است. البته این کار پیش از این هم انجام می‌شد، اما شما به صورت متمرکز و مستمر این کار را انجام می‌دهید. چقدر از فروش‌تان را مدیون این خلاقیت‌ها هستید؟

بسته‌بندی‌های شما بسیار دوست‌داشتنی است. راجع به این نوع بسته‌بندی توضیح دهید.

بله. ما علاوه بر بسته‌بندی خود شرکت پست، یک بسته‌بندی شکیل‌تر هم داریم که خرید از نیوار را برای مخاطب لذت‌بخش‌تر می‌کند و من در کمتر فروشگاه اینترنتی کتاب دیدهام. تمام بازخوردهای ما در این یک سال و نیم مثبت بوده است و حتی که مورد نارضایتی از بسته‌بندی نداشتیم. البته دلیل اصلی این بازخوردهای مثبت این است که تمامی عوامل نیوار خودشان از

برش

متصدیان پست همان‌طور که دیگر بسته‌های پستی را با روش و تکنیک پرتاب کردن و تلنبار کردن حمل و نقل می‌کنند، کتاب‌ها را هم با همین شیوه انتقال می‌دهند

اهالی ادبیات هستند. از خود من که شاعر هستم و کتاب شعر منتشر کرده‌ام بگیرد تا دوستانی که در بخش‌های مختلف نیوار مشغول کار هستند، همه شاعر، نویسنده و اهل کتاب هستند که این موجب می‌شود تعامل خوبی با مخاطب برقرار کنیم. اگرچه مسائل مالی برای ما مهم است، اما هدف اصلی و مهم‌تر ما آشتی دادن کتاب و مخاطب امروز است. ما از سود خودمان کم می‌کنیم و روی کتاب‌ها ۱۰ درصد تخفیف در نظر می‌گیریم. همچنین در صورت رسیدن به سقف مورد نظرم‌ان، کتاب‌ها را رایگان ارسال می‌کنیم. با در نظر گرفتن همه این نکات سعی می‌کنیم از ظرفیت‌های مختلف برای ایجاد این ارتباط نزدیک استفاده کنیم و تا به حال موفق بوده‌ایم.

شرایط به وجود آمده بر اثر ویروس کرونا، به نوع فروش شما کمک کرد یا آسیب رساند؟

این شرایط برای فروشگاه‌های فیزیکی کتاب بد بود، اما برای ما خیلی خوب بود. اگرچه خود ما در معرض کرونا بودیم و باید مدام بین شرکت پست و دفاتر توزیع کنندگان کتاب و کوچه و خیابان در حال حرکت می‌بودیم، اما از نظر ارتباط با مخاطب، اتفاق‌های خوبی افتاد.

یادایام

گفت‌وگو با شاعر نمانهنگ «کیوت‌های گوهرشاد» که شعر آن مورد تحسین رهبر معظم انقلاب قرار گرفت

رضا جان است شاه مردم ایران، رضاخان نه...



مهدیه قمری: این هفته به مناسبت هفته عفاف و حجاب، نمانهنگی با عنوان «کیوت‌های گوهرشاد» براساس موضوع قیام گوهرشاد در فضای مجازی منتشر شد. شاعر شعر نمانهنگ «کیوت‌های گوهرشاد» محمدحسین ملکیان است. این نمانهنگ به خوانندگی علی معینیان و کارگردانی محسن عقیلی توسط دفتر رسانه مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی تولید شد. ملکیان، شعر «قیام گوهرشاد» را پیش از این در دیدار شاعران با رهبر معظم انقلاب، خوانده است. به‌خصوص مصرع «رضا جان است شاه مردم ایران، رضاخان نه» که مورد تحسین مقام‌معظم‌رهبری و حاضران قرار گرفت. محمدحسین ملکیان، درباره جزئیات شعر «قیام گوهرشاد» در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: این شعر را نخستین بار برای شرکت در جشنواره قیام گوهرشاد به دبیری وحید جلیلی سرودام. در این شعر از موضوعات روز همچون تحریم، مداخلان حرم و ... نیز در کنار عفاف و حجاب و قیام گوهرشاد استفاده کردم.



ملکیان با اشاره به اینکه چند سال پس از سرودن این شعر، قرار شد براساس آن نمانهنگی تولید شود، در خصوص ساخت این نمانهنگ، توضیح داد: به دلیل وزن بلند شعر، تلفیق شعر با ملودی برای آنگنساز دشوار بود. اما پس از تولید نمانهنگ و انتشار آن، بازتاب‌های خوبی از سوی مردم دریافت کردیم. این شاعر جوان با بیان اینکه مخاطب این روزها با تصویر ارتباط بهتری برقرار می‌کند، به ضرورت تلفیق شعر و مدیوم تصویر اشاره کرد و گفت: وقتی شعر با موسیقی و تصویر تلفیق می‌شود، می‌تواند با طیف گسترده‌تری از مخاطب ارتباط برقرار کند و شاعر هم در این مواقع باید رعایت جوانب را بکند و سخت‌گیری زیادی نداشته باشد. مثلاً من برای تلفیق شعر با تصویر، چند بیت از شعر را ویرایش کردم. به گفته ملکیان، شعر فقط حس شنیداری مخاطب را دربرمی‌گیرد، اما وقتی تصویر و ملودی هم به کمک شعر بیایند، گستره ذهنی بیشتری به مخاطب می‌دهند و در نتیجه او ارتباط بیشتری با شعر برقرار می‌کند.



برش

شما که بیشتر فعالیبتان در حوزه فروش کتاب به صورت اینترنتی و پستی است، آیا از خدمات و حمایت‌های شرکت پست رضایت دارید؟

ما نه از نظر حمل بسته‌های کتاب و نه حمایت‌های مالی، از شرکت پست رضایت نداریم. البته شرکت پست تقریباً پنج ۶ ماه قبل، امکانی برای کتاب‌فروشی‌ها قرار داده بود که ارسال کتاب‌ها با تخفیف خوبی انجام می‌گرفت. یعنی کتاب‌ها زیرشاخه مطبوعات قرار می‌گرفتند و از تخفیف ۴۰ تا ۵۰درصدی شرکت پست برای مطبوعات استفاده می‌کردند، اما این امکان از هفت ماه پیش برداشته شده و ما باید برای ارسال هر کتاب مبلغ گزافی به شرکت پست بدهیم. پیشتر هزینه‌های ارسال نصف می‌شد، اما اکنون هزینه پست را براساس وزن تعیین می‌کنند که واقعاً ناچوارمانده است. یعنی هزینه تنها ارسال مرسوله زیر ۵۰۰ گرم با پست سفارشی تهران به تهران که بین ۳ الی ۷ روز کاری طول می‌کشد، هزارتومان تا ۷هزار و ۵۰۰ تومان است، آن هم بدون هزینه بسته‌بندی که تقریباً ۲هزار۳ تومان است. اگر همین مرسوله را با پست پیشتاز ارسال کنید بیشتر از ۸هزار تومان فقط هزینه ارسال می‌شود که با احتساب مبلغ بسته‌بندی واقعاً زیاد است. تازه همه این‌ها برای پست تهران به تهران است. اگر مرسوله شما از تهران به دیگر شهرها ارسال شود بیشتر هم می‌شود.

از سوی وزارت ارشاد هیچ حمایتی برای ارسال کتاب صورت نگرفته است؟ اکنون فقط خانه کتاب به فروشگاه‌هایی که نماد الکترونیکی دارند و طرف قرارداد با خانه کتاب هستند، برای ارسال کتاب‌ها یانه ارائه می‌کند. با این امکان ارسال هر کتاب تقریباً ۵-۶هزار تومان درمی‌آید. البته در ایام کرونا این مبلغ کمتر شده است؛ یعنی هزینه هر پست حدوداً ۳هزار

تومان است، ولی این تخفیف دائمی نیست و فعلاً تا آخر تیر تمدید شده است. این تخفیف حداقلی خانه‌کتاب است و در این وضعیت سخت، خوب است. در مورد حمل و نقل و ارسال مرسوله‌های پستی هم متأسفانه شرکت پست بسیار بد عمل می‌کند و هیچ تمهید و برنامه‌ای برای بسته‌های کتاب ندارد. یعنی متصدیان پست همان‌طور که دیگر بسته‌های پستی را با روش و تکنیک پرتاب کردن و تلنبار کردن حمل و نقل می‌کنند، کتاب‌ها را هم با همین شیوه انتقال می‌دهند. برخورد نامناسبی با بسته‌ها می‌کنند و برایشان اهمیت ندارد داخل این بسته کتاب وجود دارد.

معنی «نیوار» چیست؟

نیوار به معنی جو، اتمسفر و نزدیک به آسمان است. شعار ما هم در نیوار این است: «با نیوار کتاب بخوانید و تا نزدیکی آسمان بروید». همان پرواز روح که قصد داریم برای مخاطبمان به ارمغان بیاوریم.

فعالیت‌های استارت‌آپ نیوار در چند دسته انجام می‌گیرد؟

مجموعه نیوار در واقع یک استارت‌آپ در حوزه کتاب است. فعالیت نیوار شامل چند حوزه است که نخست، همان فروشگاه اینترنتی کتاب است، دوم؛ انتشارات نیوار است و سومین حوزه تلویزیون اینترنتی نیوار پلاس است که یک شبکه اینترنتی کتاب است و در این شبکه قرار است اتفاقات مختلفی رقم بخورد، مثل معرفی نویسندگان و فعالان حوزه کتاب، شعرخوانی و داستان‌خوانی، گفت‌وگوها و نشست‌های موضوعی و ...

با خودتان فکر نکردید در این وضعیت سخت اقتصادی احتمال شکست خوردن وجود داشته باشد. چقدر به «نیوار» امیدوار هستید؟

صاحب‌نظران رشته مدیریت معتقد هستند هر استارت‌آپی حداقل دو سال زمان لازم دارد تا اقتصادی شود و به صرفه مالی برسد، اما من بدون هیچ تعارفی می‌گویم که ما از همان آغاز کار به صرفه اقتصادی رسیدیم. به همین دلیل من به موفقیت نیوار بسیار خوشبین هستم. اگرچه کسب و کار اینترنتی در کشور ما نوظهور است، ولی آینده روشنی دارد. سبک زندگی که امروزه در جریان است ما را متقاعد می‌کند به سمت استفاده از اینترنت در کسب‌وکارها برویم. هر چند خرید حضوری و لمس کتاب و دیدار با کتاب خیلی دلچسب‌تر است، ولی این امکان هم برای کسانی است که از شلوغی، رفت‌وآمد و بیرون‌بودن گریزان هستند و دوست دارند کتاب‌ها به روش آسان‌تری به دستشان برسد. تمایل به کسب وکارهای اینترنتی در کشور ما در حال افزایش است و ما باید کار با آن را یاد بگیریم. من فکر می‌کنم فروشگاه‌های فیزیکی کتاب هم باید به این سمت حرکت کنند.

در همین ایام کرونا سدیدیم که خیلی از کتاب‌فروشی‌های مطرح، فروش اینترنتی یا تلفنی خودشان را هم راه انداختند و به ضرورت این حرکت رسیدند. من به آینده این کار خوشبین و امیدوارم و البته طمع خیلی زیادی هم ندارم. فروشگاه نیوار از نظر فیزیکی اکنون در یک دفتر ۳۰متری و با یک گوشی و لپ‌تاپ قدیمی فعالیت می‌کند. یعنی ما با این امکانات خیلی کم شاهرکار کرده‌ایم. در مجموع باید بگویم اگر فکر خلاق و نیروی کارآمد در کار فرهنگی وجود داشته باشد، قطعاً آینده روشنی خواهد داشت.

پشت‌ویترین

نگاهی کوتاه به کتاب «ابوعلی کجاست؟»

ایستاده در میدان جنگ



می‌کند و خبری از اتوکشیدگی کلاسیک بعضی روایت‌های تاریخ شفاهی نیست. در آخر متقدم در این کتاب با راوی، مصاحبه‌کننده و تلوینگر قوی طرف هستیم که توانستند در عین اینکه اصل مصاحبه در رابطه با شهید دیگری بود، چنین کتابی را از زیر چاپ بیرون بیاورند. گفتنی است، کتاب «ابوعلی کجاست؟» حاصل ۱۰ ساعت گفت‌وگو با مرتضی عطایی (ابوعلی) از رزمندگان لشکر فاطمیهون است که به همت انتشارات «ادایار» منتشر شده است. این مصاحبه‌ها در مرداد ۹۵ در شهر مشهد ضبط شد تا در کتاب خاطرات شهید مصطفی صدرزاده استفاده شود، اما با شهادت او فرصتی برای چاپ خاطرات ابوعلی پیش آمد. ماجراهای نبرد رزمندگان لشکر فاطمیهون در عملیات‌های شاخص و خاطرات شهید عطایی از شهادت هم‌رزمانش در مقابل با نیروهای تکفیری، سبب شد تا «ابوعلی کجاست؟» مقابله با نیروهای تکفیری، به دل سنگر نیروهای مقاومت در سوره برد و دقایقی با حس و حال رزمندگان در روزهای سخت نبرد همراه شود.

گفتنی است، علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب که جزو کتاب‌های فروش ماه‌های اخیر انتشارات «ادایار» بوده، علاوه بر کتاب‌فروشی‌ها می‌توانند به سایت Ammaryar.ir مراجعه کنند. نسخه الکترونیکی «ابوعلی کجاست؟» نیز از طریق سایت و برنامه کتابخوان «طاقچه» در دسترس است.

اما دیروز نکته‌ای که به نظرم قابل قدرانی می‌رسید، آوردن مختصات و اطلاعات دقیق با حفظ لحن یک سرباز است.

به گونه‌ای که خواننده خودش را در میدان جنگ حس